



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Social Factors of Corruption-Causing Obstacles in the Judiciary after a Period of Transformation in Accordance with the Iranian Islamic Model of Progress

Mohammad Farahani¹, Seyed Mohammad Reza Mousavifard^{*2}, Mohammad Mahdi Rahimi³, Sajad akhtari⁴, Mojtaba Ghafari⁵

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Danesh Alborz University, Qazvin, Iran.
5. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mahdishahr Branch, Islamic Azad University, Mahdishahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 285-299

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8735-9363

TELL: +989128396798

Email:

mousavifard1361394@gmail.com

Article history:

Received: 07 Jul 2022

Revised: 27 Aug 2022

Accepted: 09 Sep 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Judiciary, Criminology, Islamic Teachings, Islamic Model.

ABSTRACT

Criminal's overall understanding of the concept of intention and his general interpretation in this field is one of the important challenges of the Islamic Penal Code in the field of criminal responsibility. The purpose of the article is to investigate this important question, what is the effect of intention on criminal responsibility? The following article is descriptive and analytical and the subject has been investigated using a library method. Findings it showed that it is necessary to prove the existence of intention in all crimes, whether intentional or unintentional. The basis of criminal responsibility is the voluntariness of the behavior. If a person do not have the right to freely choose his own behavior, which means that he lacks freedom of intention or there is no opportunity for him to choose his behavior, then he cannot be held criminally responsible. In the analysis of the role of intention in the realization of criminal responsibility in Iranian law, it should be said that the Mens Rea is the cornerstone of every crime and until the criminal thought of the perpetrator is analyzed, intention cannot violate the law. The intention is an invisible thing and it must always be a intention to commit a crime.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Farahani, M; Mousavifard, SMR; Rahimi, MM; Akhtari, S & Ghafari, M (2023). "Social Factors of Corruption-Causing Obstacles in the Judiciary after a Period of Transformation in Accordance with the Iranian Islamic Model of Progress". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 285-299.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

آسیب‌شناسی موانع فسادزای قوه قضاییه بعد از دور تحولی منطبق با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

محمد فراهانی^۱، سید محمدرضا موسوی فرد^{۲*}، مهدی رحیمی^۳، سجاد اختری^۴، مجتبی غفاری^۵

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.
۴. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه غیردولتی-غیرانتفاعی دانش البرز، آبیگ، قزوین، ایران.
۵. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد مهدیشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مهدیشهر، ایران.

چکیده

اصولاً در هر کشور و در هر جامعه‌ای بدون شک، عدالت واقعی بر پایه سه عامل بزرگ: قاضی، قانون و قانون‌گذاری شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد، اما این عوامل همواره با طیف وسیعی از چالش‌ها و آسیب‌ها روبه‌رو بوده است که شامل مجموعه‌ای از فرآیندهایی است که از درون مانند آسیب‌های ناشی از قضات یا از بیرون مانند آسیب‌های ناشی از قوانین بر پیکره نظام قضایی وارد می‌شود. در بحث آسیب‌شناسی قوانین می‌توان آن‌ها را به دو دسته آسیب‌شناسی قوانین شکلی و ماهوی تقسیم کرد. در زمینه قوانین ماهوی، جرم‌انگاری بیش‌ازحد و تکلیف فوق‌العاده به دستگاه قضایی برای حل‌وفصل کلیه دعاوی و اختلافات مردم و نهادهای دولتی با یکدیگر و با مردم، از جمله علل و عوامل مهم جرایم ارتكابی قضات به‌ویژه اشتباهات قضایی می‌باشد که موجب تغایر و تفاوت تصمیم‌ها و آرای قضایی می‌شود. عدم نظارت جدی و هوشمند در قالب نظارت الکترونیکی و همچنین نظارت‌هایی که دارای نتیجه ملموس برای ارباب رجوع باشد، باعث شده است فساد داخلی قضایی در قوه قضاییه به‌عنوان جدی‌ترین مانع تحقق مدل‌های مذکور و فاصله‌گرفتن از ارزش‌های اسلامی قلمداد شود؛ همین امر باعث تضعیف اعتماد عمومی به قوه قضاییه شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۸۵-۲۹۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۹۳۶۳-۸۷۳۵-۱-۰۰۰۱-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۸۳۹۶۷۹۸

ایمیل:

mousavifard1361394@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

قوه قضاییه، جرم‌شناسی، آموزه‌های

اسلامی، الگوی اسلامی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

قوه قضاییه حلقه بازخورد در معماری کلان حکومت جمهوری اسلامی است که می‌تواند موجبات تعالی و ارتقای کل سیستم را فراهم کند و از آنجایی که رئیس این قوه را مستقیماً مقام معظم رهبری انتصاب می‌کنند و همچنین معماری محتوایی قوه بر مبنای فقه اسلامی است، کارآمدی یا ناکارآمدی آن می‌تواند بر کل پروژه انقلاب اسلامی و امکان‌سنجی طراحی جامعه، مبتنی بر نهاد دین تأثیر بگذارد. دو عنصر محوری در گسترش یافتن ضعف‌های قوه قضاییه شامل بهره‌وری پایین و عدم اتقان کافی در فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها و عدم اهتمام و توانمندی در کاهش نرخ ورودی پرونده‌ها است که در طی سالیان اخیر، استراتژی محوری قوه قضاییه درخواست افزایش بودجه و دیگر منابع، به‌ویژه منابع انسانی بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که قوه قضاییه بدون آنکه به افزایش بودجه و سایر منابع نیاز داشته باشد، می‌تواند با تغییر برخی رویکردها و سازوکارهای درونی و با اتکا به ظرفیت‌ها و توان خود، ضمانت اجرای عدالت را از طریق ارتقای توان پیشگیری و رسیدگی افزایش دهد و همچنین به عنصری با تأثیرگذاری بالا نسبت به مسائل کلان جامعه تبدیل شود. در این پژوهش گام‌های ضروری در مسیر اصلاح و ارتقای قوه قضاییه به‌طور خلاصه و کلی به‌همراه برخی از مصادیق آن‌ها برشمرده می‌شود.

در یک نظام سامان‌یافته حقوقی، وجود یک سازمان قضایی قانونی و منسجم، همراه با مقررات عادلانه و شفاف، برای رسیدگی به تخلفاتی که توسط شهروندان از هنجارهای اجتماعی و قانونی صورت می‌گیرد، از بدیهی‌ترین امور است. تضمین حقوق شهروندان و رعایت عدالت قضایی، وابسته به شفاف‌بودن ساختار سازمان یادشده، به‌لحاظ حدود اختیارات و قلمرو صلاحیت آن و قوانین مورد عمل است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ساختار کلان قوه قضاییه، به‌عنوان متولی اصلی تحقق این هدف پیش‌بینی شده است. براساس اصل ۱۵۶ ق.ا. قوه قضاییه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق‌بخشیدن به عدالت است. براساس بند ۴ اصل یادشده، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر

مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام، یکی از وظایف مهم قوه قضاییه می‌باشد که اجرای این وظیفه مهم در کنار دیگر وظیفه‌ها به‌دلیل احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع وجود دارد. به‌منظور رسیدن به این هدف در اصل ۱۵۷ ق.ا. شرایطی را برای مدیر این قوه در نظر گرفته است. این شرایط، یعنی عدالت و آگاهی به امور قضایی و قدرت مدیریت و تدبیر اگر در عمل تحقق یابد، می‌تواند جهت‌گیری کلی این قوه را به‌سمت تحقق یک سازمان قضایی سالم و عادلانه بکشد تا دادگستری بتواند مراجع دادخواهی و رسیدگی به شکایت‌ها و مسؤول تحقق‌بخشیدن به عدالت باشد.

جرم‌شناسی اسلامی به‌منوال گذشته که بارها عرض شد، در حوزه حقوق علم، رویکردهای متعصبانه و جاهلانه نیست، بلکه به‌عنوان آینه‌ای، سعی دارد رویه‌های موجود را در حوزه حقوقی به نقد کشیده تا فاصله آن را با معیارهای مندرج در منابع دینی مشخص کند. این همان مطلوب حکمرانی اسلامی به قول ریاست قوه قضاییه است که باید در تراز انقلاب اسلامی باشد، ولی متأسفانه وضعیت و ساختار موجود در رویه خلاف مسیر ترسیمی را نشان می‌دهد. سؤالی که در این مقاله در پی آن هستیم، این است که آیا قاضی در امور حقوقی می‌تواند هرگونه که تفسیر نماید و حکم قضیه را صادر کند یا اینکه حق تفسیر براساس علم خود محصور در ادله رادار است.

درحال حاضر فساد و امکان دورزدن رویه‌ها به دلایلی مانند نقش پررنگ نیروی انسانی در فرآیندهای مربوط به قوه قضاییه و هزینه نداشتن اظهارات و تصمیمات افراد، مبنای قواعد غلط، فقدان وحدت رویه در صدور احکام و زمان‌بر بودن فرآیندهای قضایی، بسیار محتمل است. همچنین عواملی مانند ضعف عملکردی قضات، عدم شفافیت آرای صادره و فرآیندها، عدم وجود نهاد نظارتی، از جمله عوامل تشدیدکننده مشکلات در قوه قضاییه به‌شمار می‌روند.

۱- مبانی نظری

انجام درست کارها از عهده سازمانی برمی‌آید که مجهز به نظام اداری سالم باشد. سازمان‌های سالم قادر به

است» (درگاه تخصصی چشم‌انداز ۱۴۰۴، سند تحول دولت مردمی مصوب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸ رئیس‌جمهور).

امروزه همه کشورها به دنبال دستیابی به راهکاری مناسب و کارآمد متناسب با نظام و ساختار موجود خودشان برای مبارزه با فساد هستند. مسلم است که راهکارها متناسب با شرایط و اوضاع و احوال از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. چه بسا راهکاری که می‌تواند برای کشوری بسیار کارا و مؤثر باشد، برای کشور دیگر با اوضاع و شرایط متفاوت تنها صرف هزینه و درعین حال عدم تحصیل کارایی مطلوب باشد. این واقعیت در موقعیتی حتی می‌تواند تعجب‌برانگیز باشد، بدین صورت که نظامی ساختار مبارزه با فساد نظام دیگر را برای خود برمی‌گزیند، با این انتظار که این روش مورد آزمایش واقع شده و نتیجه مطلوب را حاصل کرده، بنابراین با پیروی گام‌به‌گام می‌توان به همان نتایج دست یافت، اما برخلاف تصور بعد از اجرای گام‌به‌گام و دقیق راهکارهای تجربه‌شده نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. این معضل از آن جهت ایجاد شده است که روش اصلاح متناسب با مختصات و ممیزات نظام موردنظر نبوده است (غمامی و قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

فساد و تقلب پدیده‌ای است که کلیه کشورهای جهان کم‌وبیش با آن دست به‌گریبان‌اند، اما میزان و گستردگی آن با توجه به عوامل اداری و مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متفاوت است. پیامدهای مخرب فساد و تضاد آن با منافع عامه و اکثریت، از جمله اتلاف منابع، کاهش رشد اقتصادی کشورها و کاهش اثربخشی باعث توجه روزافزون به اهمیت پدیده تقلب و فساد در جوامع مختلف شده است.

فساد از جمله مقولاتی است که عمری به درازی عمر بشر دارد. تلاش برای مقابله با این پدیده نیز همانند خود فساد تاریخی طولانی و پرسابقه دارد، هیچ حاکم و فرمانروا یا دولتی را در تاریخ نمی‌توان یافت که خود را فاسد بداند. همگان سعی دارند دامن خود را به‌دوراز فساد بدانند، امروز شعار مبارزه با فساد حتی توسط فاسدترین دولت‌ها نیز داده می‌شود. برخی نظام‌ها از مرحله شعار و تبلیغ و نمایش

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های درست، به‌جا و مناسب هستند و در ارائه خدمات کارآمد و اثربخش عمل می‌کنند. بنابراین به موازات گسترش این پدیده منفی، حکومت‌ها و نیز پژوهشگران دانشگاهی درصدد برآمدند که از روش‌های مکمل و مدرن فراحکومتی و چندساحتی برای مبارزه و پیشگیری از گسترش جرایم استفاده کنند. از یکسو حکومت و حکمرانی نیز ناگزیر پیچیده شده‌اند و از روش‌های یک‌سویه و قدیمی حکمرانی فاصله گرفته‌اند و به سمت روش‌های دوسویه و تعاملی یا همکاری‌جویانه با جامعه گرایش پیدا کرده‌اند؛ از سوی دیگر، با اثبات عدم‌کفایت روش‌های کنترلی و تنبیهی حکومتی، روش‌های «جامعه‌بنیاد» و «سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی» مطرح شده‌اند و اهمیت یافته‌اند. از این رو، تعداد درخور توجه از کشورهای توسعه‌یافته و بعضاً در حال توسعه به سمت این سیاست‌ها گرایش پیدا کرده‌اند. در این بستر جهانی و اجتماعی، بسترشناسی اجتماعی جرم و نیز اندیشه‌ها و رویکردهای اصلاحی اهمیت یافتند و بر اندیشه‌های کنترلی و تنبیهی صرف اولویت یافتند. استفاده از رویکرد سیستمی در این تحقیق در ارتباط کامل با این دغدغه و اولویت بود. از آنجاکه جامعه به‌مثابه یک کلیت مرتبط باهم است، جرم و ریشه‌های آن و مبارزه با آن نیز مستلزم نگاه همه‌جانبه و اقدامات پیشگیرانه و قاطع سیستمی با همکاری خرده‌نظام‌های خانواده، حکومت، دین، فرهنگ و نظام قضایی است. بنابراین نمی‌توان این امر مهم را صرفاً بر عهده حکومت و نظام قضایی گذاشت، بلکه باید آمیزه‌ای از راهبردهای فرهنگی، قضایی، سیاسی و اجتماعی را به کار برد تا شاهد کاهش جرایم در جامعه ایران باشیم.

در جامعه ایران نیز جرایم تا حد درخور توجه گسترش یافته‌اند. این پدیده به‌مثابه مسأله‌ای مهم توان و ظرفیت‌های کنترلی حکومت را به چالش کشیده است. در همین ارتباط، معاون وقت راهبردی قوه قضاییه در دی‌ماه ۱۳۹۳ چنین گفته است: «گزارش‌های ناجا یکی از شاخص‌های سنجش ماست و این گزارش‌ها حاکی از نابسامانی در کشور است. شاخص دیگر، وضعیت پرونده‌ها در دستگاه قضایی است. با رشد تصاعدی در پرونده‌ها روبه‌رو بوده‌ایم که این موضوع هشداردهنده

امروزه توسعه‌یافتگی و شاخص‌های توسعه انسانی، اقتصادی و اجتماعی یکی از مناسب‌ترین و فراگیرترین ملاک‌های ارزیابی کارایی و تعادل ساختاری جوامع تلقی می‌شود. رشد شاخص‌های توسعه، بیش از هر چیز، نیازمند اصلاح ساختارها و ایجاد بسترهای ضروری توسعه است که در کنار معیارهای جهانی و عام، نسبت به ویژگی‌های هریک از جوامع متفاوت است. براین اساس طراحی الگوی کلان توسعه در ایران و حرکت به سمت تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نیازمند تأمل بر ابعاد و ساحت‌های گوناگون حیات افراد جامعه ایران به‌مثابه «انسان ایرانی اسلامی» است (اسمعیلی گیوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳).

وقتی صحبت از معیارهای اسلامی در خصوص قاضی و امر قضا ذهن به سوی مدینه فاضله‌ای رهنمون می‌شود که امید به عدالت ما را به گوش‌های از عدالت مطلق الهی رهنمون می‌سازد، ولی در رویه حاکم بر نظام اسلامی در وضعیت موجود علیرغم دید مثبت و آرمان‌گرایانه مسؤولین محترم چنین وضعیتی را مشاهده نمی‌کنیم و همانطوری که به ریاست دیوان عالی تصریح می‌دارد، چنانچه رسیدگی‌ها دقیق باشد، نیازی به آرای متعدد نیست، ولی متأسفانه برخی مواقع می‌بینیم در قالب جریان ناسالم به اسم تفسیر به نفع متهم و منع قانونی در نتیجه مصونیت‌سازی عمّال، جلوی اجرای حق و عدالت مسدود می‌شود، چه‌بسا که جای شاک و متشاکی عوض شده و مجبور شود در نتیجه اعاده حیثیت عالوه بر ضرر ناشی از جرم، زجر بیشتری را در نتیجه ناعادالتی تحمل کند، این زینده نظام اسلامی نیست.

در حوزه جرم‌شناسی اسلامی در همان ابتدا با خود عهد بستیم علیرغم عنوان گول‌زننده جرم‌شناسی اسلامی که بسیاری همان ابتدا در مورد آن به ناحق جبهه‌گیری داشتند، در دانشگاه و حوزه علمیه به‌جز قشر اندکی بقیه نسبت به آن خواسته یا ناخواسته تمایلی نشان ندادند، حتی تخریب کردند؛ سعی شد گرایشی مذهبی افراطی در خدمت سیاست یا افراطی‌گری متعصبانه و مقدس‌مآبانه نباشد، بلکه تریبونی برای بازگویی مشکلات در قالب آموزه‌های دینی باشد؛ امید است مورد توجه قرار گیرد. تا به حال نیز سعی شده نگاه این

ژست‌های ضد فساد فراتر رفته و با انجام و تمهید سازوکارهای نهادی و غیر نهادی گام‌هایی در مقابله با این پدیده برداشته‌اند.

انسان موجودی اجتماعی است و مایحتاج او از مردم جامعه، مشارکت عمومی، تبادل اندیشه و افکار و رفتارهای سیاسی و اجتماعی در جامعه تأمین می‌شود، براین اساس است که حکومت اسلامی باید برای کنترل و نظارت بر تمام اعمال و افعال در جامعه با یک نظام مدیریتی قوی و نظارتی و مبتنی بر قانون بر عملکرد دستگاه‌های اداری نظارت و کنترل کامل داشته باشد تا در سایه اجرای عدالت و حسن نظارت و عمل به قانون، کنترل و امنیت و سلامت جامعه را در تمام ساختارهای اجتماعی تأمین کند.

اگر در یک نظام حکومتی مردم بخواهند خودسرانه عمل کنند و سازمانی برای نظارت بر حسن اجرای قوانین در دستگاه اداری و اجرایی نباشد، اداره جامعه و امور اجتماعی مردم در ساختارهای جامعه در عمل دچار تضاد می‌شود و کاملاً فعالیت‌های انجام‌شده در کشور مختل می‌شود. از آنجایی که جامعه برای گسترش امنیت عدل و داد، گسترش خدمات رفاهی و اجتماعی نیازمند تشکیل حکومت است، تمامی افراد جامعه مسؤول‌اند برای عملی‌کردن اهداف و نظام سیاسی حکومت، سیستمی را سازمان‌دهی کنند که در آن نظام بتوانند بر عملکرد دستگاه اداری و کارکنان دولت نظارت داشته باشند.

عملکرد مطلوب قوه قضاییه به‌عنوان یک سیستم مهم و مؤثر برای اجرای عدالت، پیشگیری از وقوع جرم و رسیدگی قضایی، بر سایر قوه‌ها تأثیرگذار است. در حال حاضر، این قوه با آسیب‌های جدی، مانند حجم بالای پرونده‌ها، عدم اتقان آرای صادره، فرآیند زمان‌بر رسیدگی به پرونده‌ها، فرآیند ناکارآمد کارشناسی، شاهدان دروغین و ناکارآمدی فرآیند ابلاغ و کارشناسی، مواجه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مبنای قواعد نادرست و چارچوب‌های مدیریتی نامناسب به ایجاد و تشدید این مشکلات منجر شده است. ایجاد نهادهای نظارتی، از بین بردن وابستگی اقتصادی قوه قضاییه به ارائه خدمات قضایی و افزایش شفافیت فرآیندهای دادرسی می‌تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد.

رئیس قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۹ با اشاره به تشدید برخورد با قضات و کارکنان متخلف اعلام کرد که از اواسط اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ تا تاریخ گزارش، ۶۰ قاضی در رده‌های مختلف از دستگاه قضایی منفصل شدند. این امر برای قوه قضاییه‌ای که ادعا می‌کند داوطلبان به‌دلیل فساد یا دیگر رفتارهای نامناسب از دستگاه قضایی اخراج می‌شوند، وجهه منفی‌تری به خود می‌گیرد، اگرچه نسبت به برخوردها نیز به‌دلیل بی‌اعتمادی به دادگستری که حتی می‌توان از آن با عنوان بحران اعتماد نام برد، افراد ممکن است به‌این نتیجه برسند که احتمال دستگیری و محکومیت افراد فاسد، تصادفی است و حتی بدتر از آن به انگیزه‌های سیاسی وابسته است، آنطور که حتی از نطق‌های عالی‌ترین اعضای دولت برداشت می‌شود، البته فساد در همه سیستم‌ها وجود دارد و نمی‌توان ادعا کرد که فساد در برخی سیستم‌های قضایی وجود ندارد، اما می‌توان گفت و منصفانه نیز است تا بگوییم که در برخی کشورها، فساد گسترده نبوده و حداقلی، پراکنده و نتیجه رفتارهای فردی و غیراخلاقی است.

صحت ما از فساد قضایی به‌معنای پرده‌پوشی از فساد سایر ارگان‌های جامعه نیست، فقط به دو مورد از مصادیق بارز فساد، یعنی به میزان رشوه و اعمال نفوذ و تبانی در معاملات در ادارات ایران، نگاهی می‌اندازیم. مرکز پژوهش‌های مجلس در شهریورماه ۱۳۹۷ گزارشی رسمی تحت عنوان «پایش امنیت سرمایه‌گذاری در زمستان ۱۳۹۶» تهیه و منتشر کرد که در بخشی از گزارش، میزان شیوع رشوه در ادارات از صفر تا ده طبقه‌بندی شده است. عدد صفر به‌منزله آن است که رشوه وجود ندارد و عدد ده به‌معنای آن است که رشوه به‌طور کامل رواج دارد. هرچه به عدد ده نزدیک‌تر می‌شویم، میزان شیوع رشوه در حداکثر است. میانگین رشوه در کل استان‌ها ۷/۷۲ در رده بدترین وضعیت ممکن است، البته میزان شیوع رشوه در گیلان در حادث‌ترین شرایط ممکن یعنی ۹/۱۰ از عدد ده است و اعمال نفوذ و تبانی در معاملات ادارات نیز با میانگین بالای ۸/۱۴ از عدد ده، یعنی بدترین وضعیت ممکن است و کهگیلویه و بویراحمد با بالاترین شیوع، یعنی ۹/۲۹ از عدد ده در وضعیت بحران است (معاونت پژوهش‌های

علم نوین نگاهی فرصت‌مآبانه و امتیازگیرانه نباشد، نگاهی که در این علم باید به‌عنوان خط مشی اصلی باشد، مبارزه علمی و عملی با فساد حاکم بر برخی دستگاه‌های نظام اداری و حاکم باشد، درنهایت صدای مردم و مظلومین باشند نه محل به‌به‌گفتن سیاسیون، منتصبان و... امید است در این راه توفیق واقعی دست دهد.

۲- مفهوم فساد قضایی

سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد را در مفهوم کلی، چنین تعریف می‌کند: «فساد یعنی سوءاستفاده از قدرت سپرده‌شده برای نفع و هدف شخصی» (Wirawi, 2009: 3). علاوه بر هدف و منافع شخصی، فساد ممکن است به‌دلیل نفع و هدف گروهی نیز صورت گیرد (Rimskii, 2013: 40). نفع و هدف می‌تواند مالی یا مادی و غیرمادی همچون پیشبرد جاه‌طلبی‌های سیاسی یا حرفه‌ای باشد. انواع فساد قضایی می‌تواند عبارت از رشوه، اختلاس، سوءجریان‌های قضایی، فعالیت‌های فراقضایی، سوءرفتار قضایی، سوءاستفاده از مقام و موقعیت قضایی، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی، زدوبندبازی، خویشاوندگماری و پارتی‌بازی، مافیای قضایی، دریافت هدیه و امتیازهای غیر متعارف، اطاله دادرسی و حتی هزینه‌های سنگین دسترسی به دادگستری باشد. این فساد می‌تواند نظام‌مند باشد، در این صورت بر کل نظام قضایی تأثیر می‌گذارد و به تضعیف آن منجر می‌شود. لرد دنینگ می‌گوید: «چه کسی می‌تواند اعمال و اجرای قدرت را کنترل کند؟ فقط قضات» (Wirawi, 2009: 8) حال اگر قضات خود درگیر فساد باشند، دیگر چه کسی می‌تواند با فساد دستگاه‌های اجرایی مقابله کند. شما این مثل را شنیده‌اید که می‌گویند: «دانه گندم به چه کسی شکایت برد، وقتی قاضی، مرغ باشد.»

رئیس وقت قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۶ در گزارش سالانه خود در هفته قوه قضاییه با اشاره به تشدید نظارت بر قضات کارکنان این قوه، اعلام کرد: «در روند برخورد با فساد در درون دستگاه قضایی، در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۶۷ نفر از قضات تعلیق یا سلب صلاحیت شدند و همچنین در ۴۶۵ مورد نیز برخورد صورت گرفته است. همچنین معاون اول

پیاپی سازی اصول آیین دادرسی چیست؟ مستفاد از ماده ۲ از اصول پایه‌ای سازمان ملل متحد در مورد استقلال دستگاه قضایی مصوب ۱۹۸۵، استقلال قضایی به این معناست که قضات باید فارغ از هرگونه محدودیت، نفوذ ناروا، کشش، فشار، تهدید یا دخالت‌ها، مستقیم یا غیرمستقیم، از جانب هر شخصی یا به‌هردلیلی، باشند. در برلیغ غازی در قرن هفتم آمده است: «باید که قاضی را هیچ آفریده‌ای از حکام و امرا و وزرا به خانه خود نطلبید»، بلکه همه کس باید برای فیصل قضایا به دارالقضا بروند (رفیع‌پور، ۱۳۸۶: ۲۰).

در جهت حاکمیت قانون و حمایت از حقوق شهروندان آنچه در مورد قوه قضاییه اهمیت اساسی دارد، استقلال آن است. استقلال قاضی هم روابط فردی و هم سازمانی را دربر می‌گیرد. اصول استقلال قضایی سیراکوس نیز استقلال قضایی را در دو بُعد استقلال فردی قاضی و استقلال سازمانی دستگاه قضایی در نظر گرفته است. استقلال فردی، یعنی استقلال شخص قاضی که ذهنی است و استقلال سازمانی یا نهادی، عینی بوده و عبارت از استقلال سیاسی، اداری، مالی و آیین‌نامه‌ای قوه قضاییه از سایر قواست. با این حال در مواردی استقلال قضایی در عمل تضمین نشده و راهکارهای مناسب جهت تضمین این اصل ارائه نشده است، در حالی که پس از شناسایی استقلال قضایی، لازم است تضمین‌هایی نیز برای آن اندیشیده شود، یعنی نباید با اقداماتی استقلال قضایی عقیم شود. موارد عدم تضمین استقلال قضایی که از دلایل فساد قضایی است، در ذیل بیان می‌شود.

۳-۲- معرفی مکانیسم‌های پاسخگویی و شفافیت آیین‌های دادرسی دادگاه

به گفته گرد اکتون: «قدرت فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق می‌آورد» (بی‌شک، استقلال برای عملکرد بهتر قوه قضاییه ضروری است، ولی استقلال قدرت می‌آورد. برای اینکه قدرت در مسیر صحیح به کار گرفته شود، باید مکانیسم‌های پاسخگویی و شفافیت آیین‌های دادرسی دادگاه نیز طراحی شود. استقلال بدون پاسخگویی و شفافیت موجب استبداد قضایی خواهد شد، یعنی دستگاه قضایی در نقاب استقلال یک دیوار محافظ اطراف خود ایجاد خواهد کرد.

اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۷: ۳۱). این گزارش رسمی به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه ارگان‌های دولتی در بزرگ‌ترین سطح، خدمات خود را در قبال رشوه ارائه می‌دهند. رشوه‌ای که در قوانین کیفری جرم بوده و به‌استناد اجماع تمام فقهای مسلمان، حرام است (عاملی، ۱۴۱۰: ۷۴). سطح عمومی فساد در جامعه و در سایر ارگان‌های دولتی، همبستگی خیلی نزدیکی با سطح فساد در سیستم قضایی دارد و این دو رابطه مستقیم باهم دارند، هرچه فساد در دستگاه قضایی شایع باشد، میزان فساد در بخش‌های دولتی نیز به‌صورت حداکثری رواج پیدا می‌کند. بنابراین اگر فساد در دستگاه قضایی را بتوان کاهش داد، فساد در سایر ارگان‌های جامعه نیز کاهش پیدا می‌کند.

علل شیوع فساد، چندلایه و پیچیده است و دلیل واحدی برای آن وجود ندارد. عناصر تاریخی، سیاسی، ساختار قانونی و مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به پذیرش و عادی‌سازی فساد در جامعه ایرانی کمک کرده‌اند، ولی برخی عامل‌ها کم‌رنگ و برخی پررنگ است.

۳- آسیب‌شناسی فساد قضایی

۳-۱- افزایش استقلال دستگاه قضایی

درک فساد به‌عنوان پدیده‌ای استثنایی با پدیده دیگری که مرتبط با فساد است، مطابقت دارد؛ فقدان یا کمبود استقلال قضایی متغیری است که ارتباط تنگاتنگ با فساد دارد، زیرا فساد گسترده با استقلال قضایی ضعیف یا کم همبستگی دارد و برعکس. استقلال قضات پیش‌شرط و مقدمه‌ای لازم به‌منظور رسیدگی و حداقل موردی است که دادگاه‌ها در راستای اجرای قدرتشان می‌توانند داشته باشند. استقلال قضایی که می‌توان از آن به‌عنوان یک اصل نام برد، رکن و پایه همه دموکراسی‌هاست. به‌منظور ترویج ثبات اجتماعی و القای اعتماد، این اصل حیاتی است و بستگی دارد به اینکه قضات مستقل باشند و این‌گونه نیز به‌نظر برسند.

استقلال برای کارآمدی اصول اساسی آیین دادرسی، اهمیت زیادی دارد، بنابراین باید به‌خوبی سازماندهی شود، اما مستقل بودن قضات به‌چه‌معناست؟ چه عواملی مانع اجرای استقلال قضایی می‌شود و نقش استقلال قضایی در

که متناسب با شأن آن‌هاست. در کشورهای توسعه‌یافته قضاات حقوق بالا دریافت می‌کنند و بیشتر احتمال دارد تا در برابر فشارهای فساد مقاومت کنند.

۳-۴- تصویب قوانین ضد فساد

آمارهای مقامات عالی‌رتبه قضایی از دستگیری قضاات و پرونده‌های انتظامی در زمینه فساد، حقیقت تلخی را که قضاات در فعالیت‌های فاسد دخیل بودند، افشا کرد. برخی از این موارد مربوط به خلأ قوانین پیشگیری از فساد و کاربرد آن نسبت به قضاات است. باوجوداین، یک چالش عظیم برای جنبش مبارزه با فساد این است که اطمینان حاصل شود که قوانین ضد فساد اجرایی شوند و از طریق یک سیستم قضایی کارآمد بتوان از پوشش قانونی برای بی‌عدالتی، جلوگیری کرد. قصور قضاات و در سطح وسیع‌تر قوه قضاییه، زمینه‌ای برای رشد فاجعه‌بار فساد است. در چنین محیطی، حتی بهترین قوانین ضد فساد نیز بی‌معناست. یکی دیگر از روش‌های تعیین فساد در قوه قضاییه این است که اگر قضاات به‌طور داوطلبانه دارایی خود را به‌طور عمومی افشا کنند، در تشخیص فساد در قوه قضاییه مفید خواهد بود. محرمانه‌بودن هرچیزی به سوءظن منجر می‌شود. انکار نحوه گردآوری اموال به افزایش سوءظن افرادی منجر خواهد شد که می‌گویند قضاات سالم نیستند (Wirawi, 2009: 14).

قضاتی که شیوه زندگی آن‌ها به‌طور شایان توجهی در تقابل و تضاد با میزان حقوق دریافتی آن‌هاست، این تصور را ایجاد می‌کنند که دستگاه قضایی فاسد است. در بسیاری از کشورها، قوانین، قضاات و دیگر مستخدمان خدمات عمومی را ملزم می‌کند تا فهرستی از دارایی‌های شخصی خود و خویشاوندان نزدیکشان را اعلام کنند. به‌طور معمول اعلام دارایی‌ها پیش از تصدی منصب قضایی و به‌طور دوره‌ای در طول دوره قضاوت و دوره بازنشستگی تنظیم و ثبت می‌شود. یک جزء ضروری از قوانین مربوط به دارایی‌ها، رویه‌هایی هستند که امکان ممیزی دقیق دارایی‌ها را فراهم می‌آورند و به‌صورت منظم بر آن نظارت می‌شود. منتقدان ادعا می‌کنند اعلام دارایی‌ها ضرورتی بی‌معناست، زیرا قضاات می‌توانند دارایی‌های خود را تحت نام اعضای دور خانواده یا دوستان

به‌عبارتی اعطای استقلال به قضاات اگر آن‌ها را با سازوکارهای شفافیت و پاسخگویی مؤثر تحت نظارت درآورد، از فساد قضایی و پلیسی جلوگیری می‌کند، استقلال با مسؤولیت‌پذیری همراه است و توأم با یکدیگرند. پاسخگویی، یعنی توضیح و توجیه قضاات و دستگاه قضایی درخصوص تصمیمات قضایی و عملکرد این نهاد به مردم، مقامات و سازمان‌های عمومی و مردم‌نهاد است. قوه قضاییه تنها قوه دولتی غیرانتخابی در بیشتر دموکراسی‌هاست و گفته‌اند قضاات نیز از آخرین گروه حرفه‌ای هستند که با درخواست پاسخگویی مواجه شده‌اند (فرخ، ۱۳۸۶: ۲۳۰). سؤال این است که دستگاه قضایی برای چه کسی و برای چه چیزی پاسخگو باشد؟ در پاسخ صرف التزام اخلاقی قضاات به رعایت اصول رفتار قضایی، کافی به مقصود نیست، چون تجربه، حکایت از گریز قضاات از رعایت اصول داشته و آرای دادگاه عالی انتظامی قضاات خود حکایت از آن دارد (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ۲۰۱)، بنابراین می‌باید ضمانت اجرایی اتخاذ شود. باید گفت که استقلال قضایی برای دادگاه‌ها ضروری است تا نقش خود را ایفا کنند و محدوده پاسخگویی قضایی به‌حدی است که استقلال قضایی نقض نشود.

۳-۳- افزایش کافی حقوق و درآمدهای قضاات

جایگاه و حقوق به نسبت پایین قضاات و ماهیت وابسته قوه قضاییه در ساختار دولت از علل اولیه فساد قضایی‌اند. مطالعات بانک توسعه آسیایی در زمینه بهبود استقلال قضایی نشان می‌دهد که در بطن برخی کشورهای خاص، نفوذ و دخالت سیاسی، رشوه‌خواری و فساد در کنار استانداردهای پایین شایستگی حرفه‌ای و منابع مالی ناکافی همسو هستند. باین‌حال افزایش حقوق فقط پیش‌شرط لازم کاهش فساد قضایی است و برای حل مشکل، شرط کافی نیست (Yang & Ehrichs, 2007: 49).

لی کوان یو رئیس جمهوری سنگاپور هنگام توضیح اینکه چرا قضاات سنگاپور بیش از پنج برابر هم‌تایان آمریکایی خود حقوق می‌گیرند، گفت: «هرقدر که پول بدهی، همانقدر آش می‌خوری.» در کشورهای توسعه‌یافته دستگاه‌های قضایی مستقل مورد احترام بوده و پاداش‌هایی به قضاات داده می‌شود

بخش‌های نظارتی، فرهنگی و راهبردی باید با هم‌فکری طرحی نو و جامع دراندازند و با ارائه راهبردهای بازدارنده تلاش شود حیثیت قوه قضاییه که خود در خط مقدم مبارزه با فساد قرار دارد، لکه‌دار نگردد. در این زمینه حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه امری مهم را به گردن دارد. حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه یکی از واحدهایی است که در بدنه قوه قضاییه خوب عمل کرده و اینکه در مسیر پیشگیری قدم گذاشته است، امری مطلوب، مؤثر و مبارک است و در آینده‌ای نزدیک، نتیجه این امر مشهود خواهد شد (خبرگزاری میزان، ۱۴۰۰).

۵- بررسی برنامه‌های دستگاه قضایی و حاکمیت در سطح کلان مثل سند تحول قوه قضاییه

۵-۱- حوزه مالی و رفاهی و روان‌شناختی قضات

جرمانگاری بسیار و تنوع انواع بزهکاری و فشار حاصل از کار قضایی، همواره جسم و روان قضات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای رهایی از این فشارها باید فکری اندیشیده شود، لذا به نظر می‌رسد دستگاه قضایی باید ضمن مطالعه دقیق علمی، حمایت‌های لازم به منظور جبران آسیب‌های روانی وارده به قضات را در برنامه‌های خود پیش‌بینی و عملیاتی نموده، بر این اساس، هرازچندگاه قضات توسط روان‌کاوانی خاص که برای این منظور آموزش دیده‌اند، تحت روان‌درمانی قرار گیرند تا ظرفیت‌های منفی به‌وسیله شیوه‌های خاص اصلاحی و درمانی مرتفع گردند.

قضات همچنین با شکلی از خستگی ذهنی و فکری روبه‌رو می‌باشند که از آن تحت عنوان «خستگی ناشی از تصمیم‌گیری» یاد می‌شود. چنانچه بخواهیم این اصطلاح را به‌سادگی توضیح دهیم، می‌توان گفت: خستگی ناشی از تصمیم‌گیری، یعنی زوال توانایی‌های انسان برای اخذ تصمیمات مناسب پس از ساعت‌ها تصمیم‌گیری. به‌عبارت‌دیگر آدمی هرازگاه تصمیمات بیشتری بگیرد، به‌تدریج توانایی‌اش برای بررسی همه‌جانبه یک موضوع و اخذ تصمیم مستند و مستدل در آن خصوص کاهش می‌یابد. بدین ترتیب ضروری می‌نماید که با تدبیر مسؤولین نهاد قضایی کشور و با یک برنامه‌ریزی منظم، قضات برای رهایی

پنهان کنند، ولی از هر قانونی عده‌ای تخلف می‌کنند و اگر تخلف از قوانین نبود، ضرورتی بر وجود دادگستری نیز احساس نمی‌شد، ولی تالی فاسد نبود قوانین مربوط به اعلام دارایی‌ها، به‌مراتب خیلی بیشتر از سوءاستفاده برخی از چنین قوانینی است. همچنین ثبت دارایی‌ها به‌نام اعضای دور خانواده پریسک بوده و قضات انگشت‌شماری ممکن است چنین ریسکی را پذیرا شوند، چون در هر لحظه امکان عدم برگشت دارایی‌ها وجود دارد (Yang & Ehrichs, 2007: 51).

۴- مبارزه با فساد و تخلف درون قوه‌ای؛ از اولویت‌های دوره تحول و تعالی

باید اینچنین گفت که دستگاه قضایی در دوره تحول و تعالی، مبارزه با فساد و تخلف درون قوه‌ای را در زمره اولویت‌های خود قرار داده است؛ این مهم را می‌توان از دستورات و تأکیدات حجت‌الاسلام و المسلمین محسنی اژه‌ای دریافت کرد.

آنچه امری مهم تلقی می‌شود، این است که ضرر ایجاد فساد، رسوب‌کردن و ماندگار شدن آن در دستگاه عدلیه، تنها متوجه یک فرد یا یک قوه نیست، بلکه متوجه نظام و اسلام است. ضرر و زیان سلب اعتماد مردم از عدلیه قابل جبران نیست و به‌همین دلیل ما باید تمام توان و تلاش خود را صرف کنیم که اعتماد مردم به دستگاه قضایی خدشه‌دار نشود. به‌همین دلیل مبارزه با فساد در درون قوه قضاییه را باید جدی شود، بعد از تذکر و هشدار اولیه اگر فردی در داخل دستگاه قضا فاسد شد، نباید با عواطف برخورد کرد و اغماض داشت و نباید دلسوزی بی‌جا نسبت به آن شخص انجام شود.

آنچه در دوره تحول مهم است، این است که مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه در راستای شناسایی آسیب‌ها و فرصت‌ها در دستگاه قضایی کشور، سعی کند که با پیش‌بینی به‌موقع، پیشگیری به‌هنگام و اقدام به‌جا، وظیفه خود را در همه عرصه‌ها به‌درستی انجام دهد. این مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه امروز بیش از گذشته اقدامات خود را از طریق هوشمندسازی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین انجام دهد. در این زمینه کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضاییه اعم از

مخاطره‌آمیز قضاوت و عضویت در هیأت‌علمی دانشگاه وجود ندارد، ولی باز شاهدیم برخی تصمیم‌گیری‌ها و ملاحظات، از جمله کسورات مالیاتی مربوط به حقوق فقط درخصوص ایشان اعمال گردیده است و شامل قضات نیست (نوبهار، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

۵-۲- ضرورت توجه به نظام تشویق به‌جای تنبیه

عدم توفیق رویکرد واکنشی درخصوص پیشگیری از وقوع جرم و تخلف، متولیان نظامات عدالت‌کیفری را به‌سوی اصل کاربرد حداقلی حقوق کیفری و بهره‌گیری از تدابیر پیشگیرانه مبتنی بر امور کنشی رهنمون گردیده است، زیرا پیشگیری از یک جریان زیان‌بار با ملحوظ‌داشتن مهماتی چون اصول اسلامی، علمی، عملی، اخلاقی بر کیفر مرجح است و این ترجیح امری عقلانی محسوب می‌شود. بدین‌وسیله دولت‌ها نیز کمتر متحمل هزینه‌های اجرای مجازات و اقدامات واکنشی می‌شوند و کرامت انسانی نیز به‌نحو مناسب‌تری مورد احترام قرار می‌گیرد. با مذاقه در سیر قانون‌گذاری موضوعه درخصوص جرایم و تخلفات شغلی قضات ایران خصوصاً پس از انقلاب اسلامی ملاحظه می‌گردد که به این رویکرد توجه کافی نگردیده و قوانین پراکنده‌ای درخصوص نظارت بر اعمال و رفتار قضات به تصویب رسیده است. در ادامه، قوانینی که همچنان مجری است، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در «ماده واحده طرح انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا» مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام براساس تبصره ۲ آن، چنانچه بنا به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل‌گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی است و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌شود. لازم است یادآوری شود که در قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ برابر تبصره ماده ۱۹۰ آن، در صورت سلب حق همراه‌داشتن وکیل، قاضی به مجازات انتظامی درجه ۸ محکوم می‌گردد و چنانچه این حق به متهم تفهیم نگردد، مجازات انتظامی درجه ۳ در انتظار او است.

از تأثیر مخرب فشار کاری که همواره بر جسم و روان ایشان سایه می‌افکند، در یک فضای فرهنگی مناسب به‌همراه خانواده ساعتی را با آرامش خاطر سپری نمایند.

عدم توجه بایستی متولیان دستگاه قضایی به وضعیت مالی قضات، یکی‌دیگر از موارد حائز اهمیت است. قضات ایران به‌لحاظ دریافت حقوق و مزایای شغلی به‌مراتب پایین‌تر از میانگین جهانی، با مشکلات مالی عدیده‌ای مواجه‌اند که این خود می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ناامنی قضایی و فساد شود که اساس نظام را تحت‌الشعاع قرار دهد.

تأمین مالی قضات در منابع فقهی موردتوجه قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که قاضی باید از بیت‌المال ارتزاق نماید. رزق و روزی در معنای فقهی آن مالی است که فرد مستحق دریافت آن، اعم از کارگزار حکومت یا غیر آن، از بیت‌المال دریافت می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۵۳).

در تحقیقی که توسط پژوهشگاه قوه قضاییه انتشار یافته، سعی گردیده است با بررسی متوسط حقوق پرداختی به قضات در استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۹۵ و تطبیق آن با هزینه‌ها و درآمدهای خانوارهای شهری که از طرح بررسی بودجه خانوار مرکز آمار ایران استخراج شده است، وضعیت نسبی رفاه و شأن اقتصادی قضات در ایران و نیز در مقایسه با کشورهای عضو شورای اروپا و کشور آمریکا نشان داده شود. براین‌اساس در سال ۱۳۹۵ که قضات نو استخدام در ایران میزان حقوقشان ماهانه چهار میلیون و پانصد هزار تومان بود، متوسط حقوق ناخالص پرداختی در اقتصاد ایران ماهانه دو میلیون تومان در نظر گرفته شده بود.

در ایران، بحث حقوق قضات در دولت اول مرحوم آیت‌... هاشمی رفسنجانی و در ایام مجلس سوم موردتوجه قرار گرفت و متعاقب آن در مجلس شورای اسلامی مطرح و براساس ماده ۱۴ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ تصمیم بر این واقع شد که حقوق و مزایای قضات همانند اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها محاسبه گردد، گرچه در ظاهر این قانون‌گذاری اتفاق افتاده است و باینکه از حیث ماهیتی سختی میان منصب

التهایه در مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۷ «قانون نظارت بر رفتار قضات» به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس در مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۷ به تأیید شورای نگهبان می‌رسد. آیین‌نامه آن نیز در مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ مورد توضیح رئیس وقت دستگاه قضایی قرار می‌گیرد. برابر ماده ۱۳ قانون فوق، مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه تعیین گردیده‌اند که کمترین آن توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی و شدیدترین آن انفصال دائم از خدمات دولتی است. در ماده ۱۷ نیز به افعالی اشاره دارد که مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده را برای قاضی متخلف موجب می‌گردد که از جمله آن به رفتار خلاف شأن قضایی اشاره شده است. در تبصره آن نیز رفتار خلاف شأن را در دو مورد تعریف نموده که یا انجام جرم عمدی توسط قاضی مصداق آن است و یا اینکه فعل قاضی در عرف مسلم قضات عملی مذموم و ناپسند تلقی شود (پیرنیاکان و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۷۲-۳۶۲).

با توجه به روح حاکم بر مواد این قانون که به جز یک مورد که به تشویق قضات اشاره نموده است و آن هم مربوط می‌شود به وظیفه دادرسی انتظامی درخصوص پیشنهاد تشویق قضات دارای خدمات علمی برجسته به رئیس قوه قضاییه، در سایر موارد، نحوه نگارش آن به گونه‌ای است که رویکرد منفی نسبت به قضات از آن استنباط می‌شود. از این رو در تعریف شأن قضایی نیز تنها به موارد سلبی توجه گردیده است تا جایی که به مخاطب القا می‌نماید، قضات به راحتی مرتکب جرم و تخلف می‌شوند و از این نظر طرفین پرونده و دیگر مرتبطين با آن به نوعی تشویق می‌گردند که بدون داشتن دغدغه‌ای مبادرت به طرح شکایت علیه قضات نمایند، حتی اگر دعوای آنان بر پایه اصول و اسناد اثباتی متقن نباشد، زیرا قضات برابر رویه‌ای که حاکم است، حتی در صورت حصول براءت، نخواهند توانست علیه شاکی اعاده حیثیت نمایند و این زینده نظام عدالت کیفری نیست. در صورتی که شایسته بود، قانون‌گذار در مقام بیان شأن قضایی، ضمن بذل توجه به مراتب تشویقات و پیش‌بینی آن در قانون فوق، به وظایف حاکمیت در قبال ایجاد و حفظ این شأن نیز اشاره می‌نمود، نه آن گونه که در ماده ۱۲ آیین‌نامه قانون نظارت بر رفتار قضات تنها به وظیفه قاضی در قبال

یکی دیگر از قوانینی که به تخلفات انتظامی قضات پرداخته است، «قانون مالیات‌های مستقیم» مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ است که حسب ماده ۲۶۹ آن، «به تخلفات قضات اعضای هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی در انجام تکالیفی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی به عهد هیأت‌های حل اختلاف گذارده شده است، با اعلام دادستان انتظامی مالیاتی، در دادرسی انتظامی قضات رسیدگی می‌گردد.»

ماده ۳۶ «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن» مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات مورخ ۱۳۸۹/۵/۹ از دیگر قوانین مورد اشاره است که مقرر نموده: «...دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره‌شده را دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحی قید نماید، تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا می‌گردد.»

همچنین در ماده ۳۹۲ «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» مصوب ۱۳۷۹ آمده است: «چنانچه قضات شعبه دیوان عالی کشور ضمن بررسی پرونده‌ای که جهت رسیدگی فرجامی در دستور کار قرار دارد، تخلف از مواد قانونی یا اعمال غرض و یا بی‌اطلاعی از مبانی قضایی را ملاحظه نمایند، ضمن اینکه این موارد را در گزارش خود می‌آورند، مراتب را به دادگاه عالی انتظامی قضات نیز منعکس و ارسال می‌نمایند.»

در مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۸ قانونی تحت عنوان «قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه» به تصویب می‌رسد که حسب بند «ب» ماده ۱ آن، به نوعی اختیارات رئیس قوه قضاییه را درخصوص تغییر محل خدمت قضات در شهرهایی که با کمبود شدید قاضی مواجه‌اند، با تشخیص مصلحت و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات افزایش داده، برابر ماده ۴ این قانون نیز اختیاراتی درخصوص تعیین صلاحیت قضات و تقسیم این صلاحیت به ۳ درجه با توجه به سوابق علمی و تجربی آنان، برای شخص رئیس قوه قضاییه مقرر گردیده است.

جامعه و مبارزه با آن می‌باشد، چنانکه پیامبران الهی و پیشوایان دین، در عمل نیز اهتمام جدی به این امر داشته‌اند. مشخص شد که فساد اداری، حاصل وجود و تعامل عواملی چون انحصارطلبی، پنهان‌کاری و عدم شفافیت، فقدان شایسته‌سالاری و مسؤولیت اجتماعی شهروندان است.

جدول راهکارهایی مناسب براساس ارزش‌های اسلامی برای مبارزه با فساد استخراج شده‌اند، در سه دسته طبقه‌بندی و در جدول زیر نشان داده شده‌اند.

عناصر تمامی فساد اداری	عوامل کلواکاهی	راهکارهای پیشگیری و مبارزه	نتیجه
حاکمان و دارندگان قدرت و نفوذ	انحصار قدرت	کنترل از بالا و برخورد با انحصارگرایان	کاهش فساد
	فقدان پاسخگویی	افزایش نظارت اجتماعی	
	تقوا و خودکنترلی		
وضعیت فرهنگی و هنجارهای حاکمه	خاموشی وجدان عمومی	افزایش زمینه‌های مشارکت مردم در امور اجتماعی	کاهش فساد
		ترویج فرهنگ وظیفه‌شناسی و وجدان کاری	
	فقدان مسؤولیت‌پذیری اجتماعی	احیای حس مسؤولیت‌پذیری اجتماعی	
		افزایش اعتماد اجتماعی	
نظام اداری تنظیم‌کننده روابط میان حاکمان و مردم	ضعف اخلاق عمومی	ایجاد یک محیط بازدارنده	کاهش فساد
		ایجاد یک محیط بازدارنده	
	فقدان شایسته‌سالاری	شایسته‌سالاری در عزل و نصب‌ها	
	عدم شفافیت	شفاف و ساده‌سازی قوانین و مقررات	
فقدان سیستم کنترل و نظارت	پایین‌بودن معاشات	توجه به معیشت کارمندان	کاهش فساد
		افزایش نظارت اجتماعی	
		قاطعیت در برخورد با متخلفان	

حفظ شأن دستگاه قضایی و رعایت حرمت آن و عدم ایجاد جو بدبینی نسبت به دستگاه قضایی تأکید شده است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که گرچه در مقررات و اسناد بالادستی، از جمله در بند ۳ مصوبه مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست‌های کلی نظام برای حفظشان و استقلال قضات، رعایت شأن و منزلت قضات در جامعه و در نظام اداری کشور مورد تأکید قرار گرفته و براساس آن حاکمیت موظف گردیده است، بستر لازم در راستای تکریم قضات و ایجاد فضای مناسب به‌منظور پاسداشت منزلت ایشان را در کل حاکمیت فراهم نماید، این مهم در مرحله تدوین قانون نظارت بر رفتار قضات با بی‌توجهی مواجه گردیده و از این نظر این قانون مجموعه‌ای از تنبیهات انتظامی قضات را به تصویر کشیده است (پیرنیاکان و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۷۳-۳۶۲).

۶- عوامل کلیدی فساد اداری و راهکارهای مبارزه با آن فقه

فساد اداری و هر نوع انحراف در رفتار اجتماعی و اداری، در تعامل سه عنصر اساسی اتفاق می‌افتد، گلوگاه‌ها و عوامل اصلی فساد در جامعه را نیز باید در بستر و زمینه این سه عنصر شناسایی کرد: ۱- حاکمان و دارندگان قدرت و نفوذ؛ ۲- مردم و وضعیت فرهنگی، ارزشی و رفتاری حاکم بر جامعه؛ ۳- سیستم حکومتی و اداری تنظیم‌کننده روابط میان دو عنصر پیش‌گفته.

در بعد حاکمان و دارندگان قدرت، عامل اصلی فساد، به‌استناد شواهد پژوهشی و مشاهدات عینی پژوهشگر، قدرت‌طلبی بی‌حدوحصر زمامداران امور و پاسخگویی کم یا عدم پاسخگویی آن‌هاست. در بعد مردمی، خاموشی وجدان عمومی و فقدان مسؤولیت اجتماعی را می‌توان منشأ اصلی فساد تلقی کرد. در بعد سیستمی و ساختاری نیز ابهام در قوانین، مقررات، رویه‌های اداری و فرایندها و فقدان شفافیت، برجسته‌ترین عامل می‌باشند (حسنی و شمس، ۱۳۹۱: ۸۹).

نتیجه‌گیری

رسوایی‌ها، اقتضاح‌ها، سخنان، گزارش‌های رسمی، نطق‌های سیاستمداران، نظرسنجی‌ها، تحلیل‌های علمی و حتی نقل قول‌های عامه همگی تأکید دارد که فساد در دستگاه قضایی و دولتی شایع است، کشور را درنوردیده و به لایه‌های دولت

مبارزه با فساد و انحرافات اجتماعی، یکی از اصول و اهداف اساسی دین مبین اسلام است. براین اساس آموزه‌های دینی، سرشار از راهکارها و راه‌حل‌های پیشگیری از بروز فساد در

مسئولان کارگزاران جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۹۴ تعیین شود تا قضات مکلف باشند به‌طور دوره‌ای دارای‌های خود را اظهار کنند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۳). *جرم‌شناسی پیشگیری*. جلد اول، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

- افسومامه، دلیبو پاتی؛ سوپرامانین، راج و آپرتی، کیشور (۱۳۸۴). *چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد*. ترجمه احمد رنجبر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۰). *اداره سالم به روایت نهج البلاغه: طرحی برای مبارزه با فساد اداری*. چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه.

- حسنی، علی و شمس، عبدالحمید (۱۳۹۱). «راهکارهای مبارزه با فساد اداری براساس ارزش‌های اسلامی». *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۲(۱): ۸۱-۱۰۴.

- حصیرچی، امیر و نیاوند، عباس (۱۳۹۰). «تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد

نفوذ کرده و سالیان متمادی ادامه دارد. کاهش استقلال قضایی، عدم پاسخگویی قضایی، حقوق و مزایای کم قضات و کارکنان، نبود قوانین ضدفساد، نقض قوانین و عدم اجرای آن و عدم شفافیت، ازجمله دلایل فساد قضایی در نظام قضایی ایران است. استراتژی و تدابیر احتمالی برای کاهش فساد می‌تواند عبارت از افزایش استقلال قضایی، پاسخگویی قضایی و شفافیت آیین‌های دادرسی دادگاه، افزایش حقوق کارکنان، تصویب قوانین ضدفساد و اجرایی کردن آن، مباحث آزاد و فراگیر از فساد داخلی برای آموزش کارکنان و شفافیت کامل تا سطوح بالاتر دستگاه قضایی است. هیچ مجموعه جادویی از ساختارها و تجربه‌ها وجود ندارد که فساد در همه شرایط و موقعیت‌ها را ریشه‌کن کند. همان‌طور که از نتایج این پژوهش برمی‌آید، اصلاح چندجانبه و جامع قوه قضاییه با راهکارهای ارائه‌شده، گام مهمی در راستای ارتقای عدالت و جلوگیری از فساد است که نظام‌های حقوقی را تخریب و جهان را ویران می‌کند.

لازم است مقرراتی درخصوص جرم‌انگاری نفوذ و پیشنهادهای ناروا به قاضی از هر ناحیه‌ای و هر شخصی تصویب شود و قانون نظارت بر رفتار قضات در صورتی که استقلال قضایی توسط قاضی یا دیگری نادیده گرفته شود، اصلاح گردد. رویه‌های انضباطی دادگاه صلاحیت قضات در عزل قضات به‌صورت دقیق، شفاف و منصفانه در قانون نظارت بر رفتار قضات ترسیم شود، قوه قضاییه نظارت مؤثر بر تصویب بودجه قوه قضاییه داشته باشد، سیستم ارجاع دادخواست‌ها و شکوائیه‌ها روشن و عینی و تحت اتوماسیون قرار گیرد. فرایند انتصاب قضات شفاف و عینی و بر مبنای شایستگی و از میان بهترین داوطلبان بر پایه صلاحیت علمی و اخلاقی صورت گیرد. نقل‌وانتقال قضات در قوانین برخلاف رضایت و به‌صرف تشخیص مصلحت ناقض استقلال قضایی است و باید اصلاح شود و قضات مستقل تحت حمایت قضایی قرار گیرند و معیارهای سختگیرانه‌ای بر عزل قضات و نقل‌وانتقالات آن‌ها حاکم شود. حقوق فعلی قضات ناکافی است و باید درخور جایگاه، تجربه، عملکرد و پیشرفت حرفه‌ای در طول مدت انتصاب آن‌ها باشد و ضمانت اجرایی مؤثر جهت اجرای «قانون رسیدگی به دارای مقامات،

«ب» در «حوزه قضایی استان تهران» (یک پرونده واحد).
نشریه نخبگان علوم و مهندسی، ۶(۱): ۶۴-۸۳.

- موسوی فرد، سیدمحمدرضا (۱۴۰۰). «نگرش نقادانه؛ جرم‌شناسی اسلامی از آرمان تا واقعیت قوه قضاییه در دوره تحول با تأکید بر نقض رأی دادگاه تجدیدنظر استان در دادگاه بدوی کیفری». نشریه نخبگان علوم و مهندسی، ۶(۱): ۱۹-۳۵.

ب. منابع خارجی

- Cahn, O (2014). *La Politique Criminelle de la Lutte Contre la Corruption en France ou la Théorie du Chapon*. In: *Politique(s) Criminelle(s): Mélanges en L'honneur du Professeur Christine Lazerges*, Paris: Dalloz.

- Carothers, T (2006). *Promoting the Rule of Law Abroad*. Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace.

- Cerbaro, R & Whisler, J (2016). "The Idea of Progress: A Theoretical and Concise Goal-Structure Model". *Current Research in Psychology*, 7(1): 12-15.

- Deutsch, K (1961). "Social Mobilization and Political Development". *The American Political Science Review*, 55(3): 493-514.

- Dodd, C (1972). *Political Development*. London: Red Globe Press.

- Hagopian, F (2000). "Political Development". *Comparative Political Studies*, 33(6-7): 880-911.

- Huntington, S (1965). "Political Development and Decay". *World Politics*, 17(3): 386-430.

- Johnston, M (2005). *Syndromes of Corruption: Wealth, Power and Democracy*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Loutaya, I (2013). "La Lutte Contre la Corruption en Droits Interne Européen et International". Thèse de Doctorat en Droit Privé.

برنامه‌ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب». *مطالعات بسیج*، ۱۴(۵۰): ۵۱-۸۲.

- خوش‌چهره، مجید و حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۹۱). «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران». *راهبرد*، ۲۱(۶۲): ۲۱۹-۲۴۴.

- ذوعلم، علی (۱۳۹۳). «نقشه راه طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». تهران: سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

- زریباف، مهدی (۱۳۹۲). «مبانی، سیر تدوین، مدل مفهومی و الزامات تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت». *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۵(۲): ۱۲۷-۱۵۶.

- صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۳). *مطالعه جرم‌شناختی جرایم اشخاص حقوقی حقوق خصوصی: از علت‌شناسی تا پیشگیری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- علی‌اکبری، حسن (۱۳۹۱). «تأملی بر چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». تهران: سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

- قاضی‌زاده، سیدضیالدین (۱۳۸۹). «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش نیروهای مسلح». *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۱۸(۳۱): ۳۱-۶۲.

- موسوی فرد، سیدمحمدرضا (۱۴۰۰). «قاعده جدید تفسیر به نفع خواننده در ماده ۲ و بند ۱۰ ماده ۴۸ قانون آ.د.م (۱۳۷۹) آثار دوره تحولی قوه قضاییه از منظر جرم‌شناسی اسلامی در حوزه قضایی استان‌های تهران و ایلام». *نشریه نخبگان علوم و مهندسی*، ۶(۱): ۳۶-۶۳.

- موسوی فرد، سیدمحمدرضا (۱۴۰۰). «نقد جرم‌شناسی اسلامی؛ بر دوره تحول از آرمان تا واقعیت عدلیه با تأکید بر اعاده حیثیت کلاهبردار از بزه‌دیده (از تبرئه در...، احراز مجرمیت... (لاجرم موقوفی) از مجتمع «الف» تا دادسرای

- Nacer-Cherif, D (1991). *Approaches to Political Development: Some Conceptual Challenges*. M.A Simon Fraser University, Ottawa: National Library of Canada.
- Reiling, D (2009). *Technology for Justice. How Information Technology Cansupport Judicial Reform*. Netherlands: Leiden University Press.
- Rimskii, V (2013). “Bribery and the Judiciary”. *Russian Politics & Law*, 51(4): 40-47.
- Tiwari, N (2009). “Legal Regime on Prevention of Corruption in Judiciary”. *Bhopal India*, 5: 1-20.
- Ttride-Stirling, J (2001). “Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research”. *Qualitative Research*, 1(3): 385-405.
- Zeleny, J (2006). *As Guard Changes in Congress, Lobbyists Scramble*. New York: Times.